

بسم الله الرحمن الرحيم

حجیت قول لغوی از منظر شیخ محمدرضا مظفر و شیخ انصاری

سید حسین حسینی مطلق - اردیبهشت ۱۴۰۳

مدرسه علمیه عترة آل محمد

چکیده

از مباحث مهم در علم اصول فقه حجیت قول لغوی است که در آن به بررسی وثاقت نظر اهل لغت در تعیین معنای الفاظ و اصطلاحات پرداخته می‌شود. مقاله پیش رو به بررسی دیدگاه دو تن از علماء برجسته اصول فقه شیعه، شیخ محمدرضا مظفر و شیخ انصاری رحمه‌الله علیهما پرداخته است. حجیت قول لغوی اشاره به صحت استناد و تمسک به قول اهل لغت در استنباط احکام شرعی دارد. اصولیون موافق با صحت قول لغوی معتقدند که قول لغوی از باب ظن خاص^۱ معتبر است.

واژگان کلیدی: قول لغوی، حجیت، اعتبار قول لغوی، شیخ انصاری، مظفر، اصول فقه

مقدمه

سوال اصلی که در این باره مطرح می‌شود این است که آیا قول لغوی حجّت است یا نه؛ و ظنی که از قول اهل لغت به دست آمده از باب ظن خاص است که حجّت باشد و یا خیر. اجماعی که در مورد حجّت قول لغوی ادعا شده است مدرکی^۲ می‌باشد. اقوالی هست که این سیره به معصوم نمی‌رسد و حجّت نیست. اما حقیقت این است که در زمان معصوم هم به لغت مراجعه می‌شد. موافقان حجیت قول لغوی برای آن دلایلی آورده‌اند.

- اجماع
- بنای عقلاء
- حکم عقل
- دلیل انسداد

به جز دلیل عقلی، به سایر این ادله اشکالاتی وارد شده است. حکم عقل به رجوع جاهل به عالم تنها دلیل حجیت قول لغوی است که فاقد هر گونه اشکالی است.

^۱. ظن خاص به اماره معتبر می‌گویند.

^۲. اجماع مدرکی به اتفاق نظر فقها با وجود دلیل قابل استناد در مسئله گفته می‌شود.

برای درک و فهم یک کلام می‌بایست ابتدا معانی کلمات آن را بدانیم تا بتوانیم با توجه به قرائن به معنا و مقصود آن پی ببریم. از راه‌های فهم معانی کلمات، مراجعه به کتب لغت و بررسی اقوال اهل لغت می‌باشد. اما باید دید که در چه شرایطی و به چه صورتی می‌توان آن اقوال را حجت برشمرد و به آنها استناد کرد. قول لغوی به سخن اهل لغت درباره معانی حقیقی و مجازی لغات اشاره دارد؛ لکن اغلب اهل لغت صرفاً معانی لغات و موارد استعمال آنها را بیان داشته‌اند و بیانی از معانی مجازی و حقیقی آنها نداشته‌اند.^۳

دیدگاه شیخ انصاری

شیخ انصاری و عده دیگری از اصولیون بر این اعتقاد هستند که باب علم نسبت به احکام شرعی به روی ما بسته است و به حکم مقدمات دلیل انسداد^۴، مطلق ظن در حق ما حجت می‌باشد و قول لغوی در زمره همین ظنون بوده و به همین دلیل، حجت می‌باشد.

العبرة عنده بانسداد باب العلم في معظم الأحكام، فإنه يوجب الرجوع إلى الظن بالحكم الحاصل من الظن باللغة وإن فرض انفتاح باب العلم فيما عدا هذا المورد من اللغات، وسيوضح هذا زيادة على هذا إن شاء الله تعالى. هذا، ولكن الإنصاف: أن مورد الحاجة إلى قول اللغويين أكثر من أن يحصى في تفاصيل المعاني بحيث يفهم دخول الأفراد المشكوكه أو خروجها، وإن كان المعنى في الجملة معلوماً من دون مراجعة قول اللغوي، كما في مثل ألفاظ "الوطن"، و"المفاضة"، و"التمر"، و"الفاكهة"، و"الكنز"، و"المعدن"، و"الغوص"، وغير ذلك من متعلقات الأحكام مما لا يحصى، وإن لم تكن الكثرة بحيث يوجب التوقف فيها محذورا، ولعل هذا المقدار مع الاتفاقات المستفيضة كاف في المطلب، فتأمل. (فوائد الاصول)

شیخ انصاری می‌گوید لغوی‌ها موضوع له را بیان نمی‌کنند بلکه به ذکر موارد استعمال اکتفا می‌کنند و استعمال، اعم از حقیقت و مجاز است؛ مثلاً اسد در رجل شجاع نیز استعمال می‌شود ولی در آن حقیقت نیست. ما در فقه ناچاریم به اهل لغت مراجعه کنیم زیرا یک سری مفاهیمی در لغت هست که اجمالاً معلوم است ولی تفصیلاً معلوم نیست مثلاً صعيد مسلماً به خاک اطلاق می‌شود ولی آیا سنگ هم جزء آن می‌باشد یا نه؛ یا خاک های خاصی که حالت معدنی به خودشان گرفته اند آیا صعيد به آنها هم اطلاق می‌شود؟ یا جایی که انسان در آن متولد شد و زندگی کرد وطن انسان نامیده می‌شود. حال آیا وطن جدید که انسان برای زندگی بعد از مدتی انتخاب می‌کند وطن است یا خیر؟ و می‌دانیم طلا و نقره معدن به حساب می‌آیند اما آیا خاک خاصی که استفاده‌ی خاص دارد جزء معدن به حساب می‌آید؟ این لغات و موارد مشابه آنها به نحوی هستند که معنای آنها تفصیلاً معلوم نیست و ما باید برای شفاف شدن معنای آنها به قول لغوی مراجعه کنیم. اگر قول لغوی حجت نباشد، لازم می‌آید که در اکثر احکام شرعی راه اجتهاد و استنباط احکام به روی مکلفین بسته شود؛ این لازم، امری باطل است، پس ملزوم آن نیز باطل است.

ایشان به یک جواب اکتفاء می‌کنند، می‌فرمایند تحقیق این است که اتفاق و اجماع و مراجعات قدر متیقنی دارد و آن قدر متیقن عبارت از این است که اهل لغت واجد شرایط شهادت باشند. این یک قدر متیقنی در مراجعه به اهل لغت است. شاهد این مدعا می‌بینیم که تقویم یعنی قیمت گذاری که برمی‌گردد به اهلش و جزء قلمرو اهل لغت و اصطلاح باشد. در تقویم مراجعه می‌کنند و

^۳. زمخشری در کتاب اساس اللغة به معانی مجازی و حقیقی لغات پرداخته است. (در دیدگاه شیخ مظفر می‌آوریم)

^۴. دلیل انسداد از ادله‌ای است که از سوی گروهی از اصولیون متاخر هم چون مرحوم «میرزای قمی» و اصحاب او که طرفدار انسداد باب علم و علمی بوده‌اند، برای حجت مطلق ظن به آن استدلال شده است و چون یکی از مقدمات آن، انسداد باب علم و علمی به احکام شرعی نسبت به مکلفان است، به آن «دلیل انسداد» می‌گویند.

اعتماد می‌کنند به دو نفر مقوم عادل. حرف یک نفر پذیرفته نیست؛ بنابراین مدعا خصوصیتی دارد که دلیل آن خصوصیت را نمی‌تواند اثبات کند. دلیلش را می‌گویید مراجعه به اهل خبره؛ اما واقعیت این است که در حجیت قول خبره و قول لغوی آن اقوالی اعتبار دارند که دارای عدالت و تعدد باشند. به طور کلی باید قول لغوی اطلاقاً اعتبار داشته باشد. اما در تحقیقات که می‌نگریم بعضی‌ها به قول اهل خبره مراجعه می‌کنند بدون وصف عدالت و تعدد؛ این مراجعات در حجم کثیری وجود دارد حقیقت این است که این مراجعات باز هم به عنوان حجیت قول خبره نیست.

شیخ انصاری نام این ناچاری برای مراجعه به اقوال اهل لغت را انسداد صغیر می‌داند یعنی در خصوص لغت، باب علم و علمی برای ما مسدود است و ما چاره‌ای نداریم مگر اینکه در این خصوص به قول لغوی مراجعه کنیم آن هم در خصوص تفصیل و الا معانی آنها را اجمالاً می‌دانیم.

دیدگاه شیخ محمدرضا مظفر

از نظر مرحوم مظفر، در مقام بدست آوردن وضع الفاظ و برای تعیین معنای موضوع له، بیشتر اقوال اهل لغت اعتباری ندارند و نمی‌توان به آن توجه کرد. زیرا اولاً بیشتر نویسندگان لغت تلاش کرده‌اند تا معانی که استعمال لفظ در آنها فراوان است را بیان دارند و ذکر کنند بدون توجه به تشخیص معنای حقیقی از مجازی جز در اندکی از موارد مانند اساس اللغة زمخشری و فقه اللغة ابن فارسی.

ان اقوال اللغویین لا عبره باکثرها فی مقام استکشاف وضع الالفاظ، لان اکثر المدونین للغة مهمهم ان یذکروا المعانی الّتی شاع استعمال اللفظ فیها من دون کثیر عنایه منهم بتمییز المعانی الحقیقیه من المجازیة الا نادراً؛ عدا الزمخشری فی کتابه و عدا بعض المولفات فی فقه اللغة. (اصول فقه مظفر)

در ثانی نظر ایشان این است که فرضاً اهل لغت به معنای حقیقی تصریح کرده باشند؛ (دو حالت دارد) در صورتی که تصریح آنان موجب قطع به وضع برای مجتهد گردد که بحثی نیست و بر طبق قطع خود عمل خواهد کرد. ولی در صورتی که یقین آور نباشد (و قول لغوی ظن آور باشد)، باید برای حجیت ظن ناشی از قول آنان دلیلی یافت تا از اصل حرمت عمل به ظن^۵ خارج گردد. شیخ مظفر دلایل مرتبط با حجیت قول لغوی را ذکر نموده‌اند و سپس نقطه نظر خود را بیان فرموده‌اند.

دلیل اجماع

محققان و اندیشمندان به اتفاق به نظریات اهل لغت استناد کرده‌اند؛ شکی در این نیست ولو آن اهل لغت یک نفر باشد. مرحوم مظفر در این باره می‌گویند از کجا می‌توانیم این اجماع را برای همه فقها اثبات کنیم؟ و فرضاً که اجماع عملی فقها را تحصیل کردیم؛ از کجا می‌توانیم حجیت چنین اجماعی را ثابت کنیم؟^۶

^۵. اصل عدم حجیت ظن، به این معنا است که قاعده اولی در هنگام شک در حجیت ظن، عدم حجیت، و حرمت عمل به آن می‌باشد، مگر این که دلیل معتبری بر حجیت ظن و اماره‌ای خاص اقامه شده باشد.

^۶. مبنای حجیت اجماع از نظر امامیه این است که اجماع کاشف از قول معصوم باشد.

دلیل بنای عقلاء

سیره عقلاء بر این است که در تمام زمینه‌هایی که شناخت آنها به اهل فن بودن و نظر کارشناسی نیاز دارد، به اهل خبره مورد اطمینان مراجعه کنند. در بحث دانستن معانی لغات و دقائق آنها نیز همینطور است. لکن بنای عقلاء فقط زمانی حجت است که به یقین کشف کنیم که شارع با عقلاء موافق است و روش کار آنان مورد تایید است.

دلیل حکم عقل

عقل حکم میکند که جاهل باید به عالم رجوع کند؛ چون بین حکم عقل و حکم شرع ملازمه وجود دارد، پس شارع نیز باید چنین حکم کند.^۷ شیخ مظفر می‌گوید بهترین دلیل برای اثبات حجیت قول لغوی همین دلیل می‌باشد و تا کنون دلیلی نیافته‌ام که آن را از اعتبار بیاندازد.

اشتراکات و افتراقات نظرات شیخ انصاری و شیخ مظفر

هر دو به ضعف اقوال لغویین از باب تمیز استعمال حقیقی و مجازی معترف هستند. و در اثبات حجیت قول لغوی، شیخ انصاری به وجه انسداد صغیر اشاره دارند و آن را از دلایل این حجیت می‌دانند. همچنین ایشان قدر متیقنی برای حجیت این اقوال عنوان می‌کنند که واجد شرایط شهادت^۸ بودن اهل لغت است. همچنین ایشان برای اعتبار یک قول لغوی، تعدد و عدالت را لازم می‌بینند لکن به همان دلیل انسداد، معتقدند ناچار به استناد به قول لغویین هستیم.

نظر شیخ مظفر این است که فرضاً هم اهل لغت به معنای حقیقی تصریح کرده باشند، این دو حالت دارد؛ در صورتی که تصریح آنان موجب قطع به وضع برای مجتهد گردد بر طبق قطع خود عمل خواهد کرد. ولی در صورتی که یقین آور نباشد و ظن آور باشد، باید برای حجیت ظن ناشی از آن قول دلیلی یافت تا از اصل حرمت عمل به ظن خارج گردد. ایشان سه وجه از دلایل حجیت قول لغوی را عنوان می‌کنند و یکی از آنان که حکم عقل باشد را قبول می‌کنند.

در حوزه تعیین معنای الفاظ، شیخ انصاری و شیخ مظفر هر دو به ضرورت استناد به قول لغویین اشاره دارند؛ اما در نحوه استناد به این قول، تفاوت‌هایی وجود دارد. شیخ انصاری، با توجه به وضعیت انسداد صغیر، معتقدند که ما ناچار به استناد به قول لغویین هستیم. در حالی که شیخ مظفر، با تکیه بر حکم عقل، معتقدند که فقط در صورتی که قول لغویین موجب قطع به وضع برای مجتهد گردد، باید بر طبق آن عمل کرد. در غیر این صورت، باید برای حجیت ظن ناشی از آن قول، دلیلی یافت. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده دو رویکرد متفاوت در استناد به قول لغویین هستند که هر کدام از آن‌ها می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر روی فرآیند استنباط احکام شرعی داشته باشد. این تفاوت‌ها نه تنها در نظریه، بلکه در عمل نیز می‌تواند منجر به تفاوت‌هایی در فهم و تفسیر احکام شرعی شود. بنابراین، بررسی این تفاوت‌ها می‌تواند به درک بهتر و عمیق‌تر از رویکردهای فقهی و اصولی این دو عالم بیانجامد.

^۷ حکم عقلی از آراء محموده است.

^۸ شرایط شهادت شامل عدالت، بلوغ، عقل، اسلام و ایمان، طهارت مولد و انتفای تهمت است.

منابع

١. المبسوط في أصول الفقه، جعفر سبحاني
٢. فرائد الاصول، مرتضى انصاري
٣. اصول الفقه، محمدرضا مظفر
٤. حجيت قول لغوي، فاطمه عمیدی-سميرا رضایی
٥. قواعد فقه، سيد مصطفى محقق داماد